



مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای

سال ششم، شماره بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۳

فرایندها و الگوهای شهرنشینی در ایران

فرانک سیف‌الدینی: استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران
حسین منصوریان: دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران*
احمد پوراحمد: استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران
روشنک درویش‌زاده: استادیار سنجش از دور، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۶، صص ۸۴-۶۱

چکیده

فرایند شهرنشینی در مناطق مختلف جهان برآیند اندرکنش پیچیده فاکتورهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناوری، جغرافیایی و فرهنگی جهانی و محلی است. این فرایند در مراحل مختلف خود در طول زمان و بنابر مقضیات محلی، در حال تولید الگوهای مختلف شهری در مناطق گوناگون دنیا می‌باشد. بررسی تحولات شهری ایران در قالب عوامل محرک، فرایندها و الگوها هدف اصلی مطالعه حاضر است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، فرایند شهرنشینی و رشد شهری در ایران، همچون بسیاری از مناطق دنیا شامل دو فاز اصلی تمرکزگرایی و تمرکززدایی می‌باشد. تا اوایل دهه ۱۳۶۰، فرایند شهرنشینی در مسیر تمرکزگرایی گام برداشته و الگوی ناشی از آن نخست شهری بوده است. با تضعیف نیروهای مرکزگرا از اوایل دهه ۱۳۶۰ تحت تاثیر هزینه‌های ناشی از ازدحام در شهرهای برتر کشور، فرایند شهرنشینی در ایران وارد فاز تمرکززدایی می‌شود. اما این تمرکززدایی غالباً به صورت پراکنش متمرکز روی می‌دهد، که الگوی فضایی حاصل از آن شکل‌گیری مناطق کلان-شهری از قبیل منطقه کلان‌شهری تهران است. تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی نیز با تایید این روند، شکل‌گیری وضعیت مرکز-پیرامون را در نظام شهری ایران نشان می‌دهد. در مقیاس کلان و ملی، منطقه کلان‌شهری تهران به عنوان مرکز و سایر شهرهای کشور به عنوان پیرامون محسوب می‌شوند. با این حال در مقیاس منطقه‌ای نیز با شکل‌گیری زیرنظام‌های شهری، شهرهای برتر منطقه‌ای دارای نقش مرکز و سایر شهرهای اطراف نقش پیرامون را ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: شهرنشینی، تمرکزگرایی، تمرکززدایی، پراکنش متمرکز، مرکز-پیرامون، تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

با وقوع انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ میلادی، جهان وارد یکی از پرشتاب‌ترین دوران تغییر و تحول شد. فرایند شهرنشینی و رشد شهری در مقیاسی وسیع، همه کشورهای دنیا را تحت تاثیر قرار داد. جمعیت شهری جهان از ۱۳ درصد در سال ۱۹۰۰ به بیش از ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت؛ پیش-بینی‌های اخیر نشان می‌دهند که در سال ۲۰۳۰ حدود ۶۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (United Nations, 2010).

فرایند شهرنشینی در مناطق مختلف جهان برآیند اندرکنش پیچیده فاکتورهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فناوری، جغرافیایی و فرهنگی جهانی و محلی است. این فرایند در مراحل مختلف خود در طول زمان و بنابر مقضیات محلی، در حال تولید الگوهای مختلف شهری در مناطق گوناگون دنیا می‌باشد. در مقابل الگوی مرکزگریز تغییر جمعیت شهری در جوامع پیشرفته، فرایندهای مرکزگرایی شهرنشینی و رشد شهری به تسلط بر پویای جمعیت شهری در جهان در حال توسعه ادامه می‌دهند (Pacione, 2011: 3). میزان بالای تمرکز یا سهم مناطق کلان‌شهری بزرگ از جمعیت شهری، ویژگی بارز شهرنشینی شتابان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. این تمرکز فزاینده در اغلب موارد خود را در غالب الگوی نخست‌شهری نمایان می‌سازد؛ الگوی نخست‌شهری با شهرهای بزرگ و نامتوازن خود، مشکلات عمده‌ای را در کیفیت زندگی، سلامت،

صنایع ملی، مدیریت و نهادسازی، همبستگی اجتماعی و پایداری سبب شده است (Henderson, 2002: 89).

اگرچه شهرنشینی پدیده‌ای جهانی است، اما این پدیده به طور چشمگیری در ایران پویاست، بطوریکه رشد شهری بی‌سابقه‌ای در پنج دهه اخیر در ایران روی داده است. طی ۵۵ سال گذشته، نسبت شهرنشینی در ایران، از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵، به بیش از ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. به موازات رشد شتابان میزان شهرنشینی، تعداد شهرها نیز از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۱۳۹ شهر در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در واقع، شهرنشینی در ایران طی چند دهه اخیر، همانند دیگر کشورهای در حال توسعه رو به افزایش بوده و مرکز ثقل جمعیت کشور به طور کنترل‌ناپذیری از روستاها به شهرها انتقال یافته است. علی‌رغم رشد شتابان میزان شهرنشینی و تعداد شهرها در ۵۵ سال گذشته، نرخ رشد شهرها همواره یکسان نبوده و تفاوت در نرخ رشد شهرها، نظام شهری ایران را دچار تغییرات اساسی کرده است. برخی شهرها تحت تاثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و محیطی توانسته‌اند، جایگاه خود را در نظام شهری ایران ارتقا دهند؛ در حالیکه برخی دیگر از شهرها، جایگاه خود را در سلسله مراتب شهری ایران از دست داده‌اند.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

بدنبال یافتن راه‌حلهایی برای جلوگیری از ناموزونی نظام شهری، مشکلات ناشی از آن و پیش‌بینی آینده شهرنشینی و رشد شهری، مطالعه تحولات نظام شهری، علل تحولات و فرایندها و الگوهای ناشی از این تحولات ضرورت پیدا می‌کند. نکته برجسته مقاله

رخشانی نسب و ضرابی (۱۳۸۹) روند تحولات سلسله مراتب شهری ایران را طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ مورد تحلیل قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طی دوره مورد مطالعه شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و قم در نظام شهری کشور از مرتبه ثابتی برخوردار بوده و شهر کرج به دلیل جذب سرریز جمعیتی تهران از رتبه ۱۳ در سال ۱۳۶۵ به رتبه ۵ در سال ۱۳۸۵ صعود کرده است. علاوه بر این، سلسله مراتب شهری کشور از حالت نیمه متعادل در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، به حالت بحرانی در سال ۱۳۸۵ سوق پیدا کرده است.

زنگی آبادی و صابری (۱۳۸۹) ساختار سلسله مراتب شهری ایران را در دوره زمانی ۸۵-۱۳۷۵ مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به‌رغم افزایش بی‌رویه تعداد روستا شهرها (شهرهای زیر ۱۰ هزار نفر) در کل نظام شهری، ضریب آنتروپی از ۰.۷۹ در سال ۱۳۷۵ به ۰.۷۵ در سال ۱۳۸۵ رسیده که نشان دهنده تمرکز بیشتر در نظام شهری است. ضریب جینی از ۰.۷۶ در سال ۱۳۷۵ به ۰.۸۱ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته که بیانگر آن است که نظام شهری ایران اندکی به سوی عدم تعادل میل کرده است. هم‌چنین شاخص تمرکز شهری بر مبنای چهار شهر اول از ۰.۶۱ به ۰.۵۹ کاهش پیدا کرده است.

فرهودی و دیگران (۱۳۸۸) روند تغییرات نظام شهری ایران را طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ و تاثیر سیاست‌های اعمال شده برای به تعادل رساندن آن را با استفاده از روش‌ها و مدل‌های مختلفی نظیر شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و تعادل مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که عدم تعادل و

حاضر و وجه تمایز آن را با سایر مطالعات این حوزه می‌توان در استفاده از آمار فضایی خلاصه کرد. به عبارت دیگر نیاز به بررسی تغییرات فضایی-زمانی رشد شهری در ایران با استفاده از آمار فضایی که براساس آن بتوان الگوهای رشد شهری را به صورت معنادار تشخیص داد، احساس می‌شود.

۱-۳- اهداف

بررسی تحولات شهری ایران در قالب عوامل محرک، فرایندها و الگوها در دوره زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ هدف اصلی مطالعه حاضر است.

۱-۴- پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در مورد شهرنشینی و رشد شهری در قالب عوامل محرک، فرایندها و الگوها در جهان توسعه یافته انجام گرفته است. دامنه این مطالعات در چند دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه را نیز دربرگرفته است (ببینید: Henderson, 2002; Pacione, 2011; Kasarda & Crenshaw, 1991). در ایران نیز به تبع سایر کشورهای در حال توسعه، در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در مورد شهرنشینی، فرایند شکل‌گیری، رشد شهرها و سلسله مراتب شهری انجام گرفته است.

تقوایی و صابری (۱۳۸۹) به منظور بررسی میزان تعادل در نظام شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ از شاخص‌های گوناگونی استفاده کرده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که نظام شهری ایران در نیم قرن اخیر از لحاظ شاخص‌های ضریب تمرکز، رتبه اندازه، نخست شهری و ضریب آنتروپی به سمت تعادل میل کرده است؛ اما از نظر شاخص ضریب جینی و توزیع جمعیت در طبقات شهری نسبت به سال ۱۳۳۵ در وضعیت نامتعادل‌تر قرار دارد.

شهرنشینی و رشد شهری در دوره‌های مختلف از روش اسنادی استفاده شد. مدل زیپف، شاخص نخست شهری و مدل رشد متوالی شهری (Cuberes, 2011) برای بررسی فرایندهای شهرنشینی مورد استفاده قرار گرفت. بررسی تغییرات فضایی-زمانی رشد شهری براساس رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی انجام گرفت. تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی، مجموعه‌ای از روش‌ها برای توصیف و نمایش توزیع-های مکانی، شناسایی بی‌قاعدگی‌های مکانی، کشف الگوهای ارتباط مکانی، خوشه‌های مکانی و اشاره به رژیم‌های مکانی یا شکل‌های ناهمگن مکانی دیگر است (حاتمی‌نژاد، پوراحمد، منصوریان و رجایی، ۱۳۹۲: ۳۴). از میان تکنیک‌های گوناگون رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی از شاخص $Getis - Ord G_i^*$ استفاده شد. $Getis - Ord G_i^*$ سنج‌های برای سنجش خودهمبستگی فضایی محلی است که این‌گونه تعریف می‌شود:

$$G_i^* = \frac{\sum_j w_{ij} x_j}{\sum_j x_j} \quad \text{رابطه (۱)}$$

G_i^* این‌گونه استانداردسازی می‌شود:

$$Z(G_i) = \frac{G_i - E(G_i)}{SE(G_i)} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در رابطه (۱) و (۲)، x_i ارزش مشاهده‌ی i و w_{ij} وزن فضایی بین مشاهده i و j ، $i = 1, 2, \dots, n$ ، $E(G_i)$ ارزش مورد انتظار G_i ، $SE(G_i)$ انحراف استاندارد G_i ، $Z(G_i)$ نمره Z برای G_i^* است (Getis & Ord, 1992: 196).

علاوه بر این، برای تایید نتایج حاصل از تحلیل اکتشافی، از تصاویر ماهواره‌ای DMPS استفاده شد. این تصاویر در شب تهیه شده‌اند و در واقع نور

توازن در توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در نظام شهری کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ افزایش یافته است. اما از سال ۱۳۵۵ تاکنون به رغم وجود سطحی از نابرابری، به سمت توزیع متناسب‌تر و متعادل‌تری در حرکت بوده است.

مطالعات فراوانی نیز سلسله مراتب شهری را در استان‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند، که می‌توان مطالعات لطفی و باباخانزاده (۱۳۹۱) در استان کرمانشاه، امانپور و دیگران (۱۳۹۰) در استان خوزستان، ضرابی و درکی (۱۳۸۹) در استان کرمان، قالیبافان و میکائیکی (۱۳۸۰) در استان خراسان را نام برد. با این حال، کمبود مطالعاتی که تحولات شهری ایران را در غالب عوامل محرک، فرایندها و الگوها در دوره‌ای طولانی‌تر و با استفاده از تکنیک‌های جدیدتر مورد بررسی قرار دهد، به شدت احساس می‌شود.

۱-۵- سوال‌ها

این مقاله تلاشی برای پاسخ‌گویی به سوالات زیر است:

تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موثر بر شهرنشینی و رشد شهری در ایران معاصر کدامند؟
تغییرات فضایی-زمانی شهرنشینی و رشد شهری در ایران معاصر چگونه بوده است؟

پدیده شهرنشینی و رشد شهری در پویش فضایی-زمانی خود، تحت تاثیر عوامل درونی و بیرونی، دارای چه فرایندها و الگوهای بوده است؟

۱-۶- روش تحقیق

واحد مکانی تحلیل شهرهای بالای ۱۰ هزار نفر جمعیت و واحد زمانی تحلیل از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. برای بررسی فاکتورها و عوامل محرک

اقتصادی، سیاسی، فناوری، جغرافیایی و فرهنگی جهانی و محلی، کمابیش دربرگیرنده دو مرحله اصلی تمرکز و پراکنش می‌باشد. در هر کدام از این مراحل، فراخور شرایط و ویژگی‌های جامعه میزبان، الگوهای خاص شهری پدیدار شده است.

مرحله تمرکز همزمان با مراحل آغازین رشد شهری رخ می‌دهد و آن زمانی است که رشد شهری در یک کشور و یا یک منطقه به دنبال تحولات درونی و بیرونی دچار تغییر شده و به یکباره دارای روند صعودی متمایزی می‌شود. در این مرحله، رشد مراکز بزرگ شهری، جمعیت، منابع و سرمایه‌ها را از فضای ملی و یا منطقه‌ای به سوی خود زهکشی می‌کند. فرایند تمرکزگرایی به پیوستگی و همگرایی جمعیت و فعالیت در درون محدوده‌های شهری می‌انجامد، که بازتاب فضایی آن شکل‌گیری کلان شهر و انبوه‌های شهری متمرکز است. به عبارت دیگر، بازتاب فضایی فرایند تمرکزگرایی، شکل‌گیری کلان‌شهرها و الگوی نخست شهری در نظام شهری کشورهای مختلف است. در این مرحله یک یا چند مکان شهری به سرعت رشد کرده و در نظام سلسله مراتب شهری خود را از سایر شهرهای کشور جدا می‌کنند.

فرایند تمرکزگرایی به عنوان زیربخشی از فرایند کلان-تر شهرنشینی و رشد شهری، تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی در برهه‌ای از زمان دچار ضعف شده و آرام آرام جای خود را به فرایند دیگری به نام تمرکززدایی می‌دهد. عدم صرفه‌های ناشی از مقیاس در کلان شهرها از قبیل ازدحام ترافیک، شلوغی، هزینه‌های سرسام‌آور زمین، آلودگی زیاد و... و نیز وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید در دیگر نواحی همراه با سیاست‌گذاری‌های حکومت برای

منعکس از پدیده‌های سطح زمین را در شب ثبت می‌کنند. تصاویر ماهواره ای DMPS به سبب زمان تصویربرداری، قدرت تفکیک مکانی، گستره جهانی و قابلیت دسترسی در زمان‌های مختلف بسیار ارزشمند هستند. تصویربرداری ماهواره‌ای شبانه، تابش ناشی از منابع انسانی از قبیل روشنایی شهر و مشعل‌های سوزان گاز را اخذ می‌کند. متعاقباً این داده‌ها برای تولید نقشه آتش سوزی‌ها، محدوده‌های شهری، تراکم جمعیت، سطوح غیرقابل نفوذ، فعالیت اقتصادی و بسیاری از کاربردهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند (P.C. Sutton et al., 2010: 330).

۲- مبانی نظری و چارچوب مفهومی تحقیق

شهرنشینی گسترده پدیده‌ای جدید است. با شدت گرفتن آهنگ رشد جمعیت شهری از دهه ۱۹۵۰، جمعیت شهری جهان به حدود ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت. گزارش‌های مختلف سازمان ملل نشان می‌دهد که بیشترین سهم در افزایش جمعیت شهری جهان در نیم قرن اخیر مربوط به کشورهای در حال توسعه بوده است؛ بطوریکه سازمان ملل پیش‌بینی کرده، جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰ با اضافه شدن سالانه بیش از ۶۵ میلیون نفر در حال افزایش خواهد بود (Spence, Annez, Buckley & Robert, 2009: 2).

با وجود تمام تفاوت‌های بنیادین میان شهرنشینی و رشد شهری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (Pacione, 2011)، به نظر می‌رسد به لحاظ فرایندها و الگوها، شهرنشینی و رشد شهری در دنیا مسیری مشابه را می‌پیماید. در همه مناطق دنیا فرایند شهرنشینی و رشد شهری در پویای فضایی-زمانی خود، تحت تاثیر عوامل محرک اجتماعی،

کانتولی (۱۹۷۸) بیان کرده‌اند که در جریان فرایند تمرکززدایی، مردم گرایش به تمرکز در تعداد محدودی از شهرهای کوچک و میانی در مناطق پیرامونی دارند (Geyer and Contuly, 2008: 7).

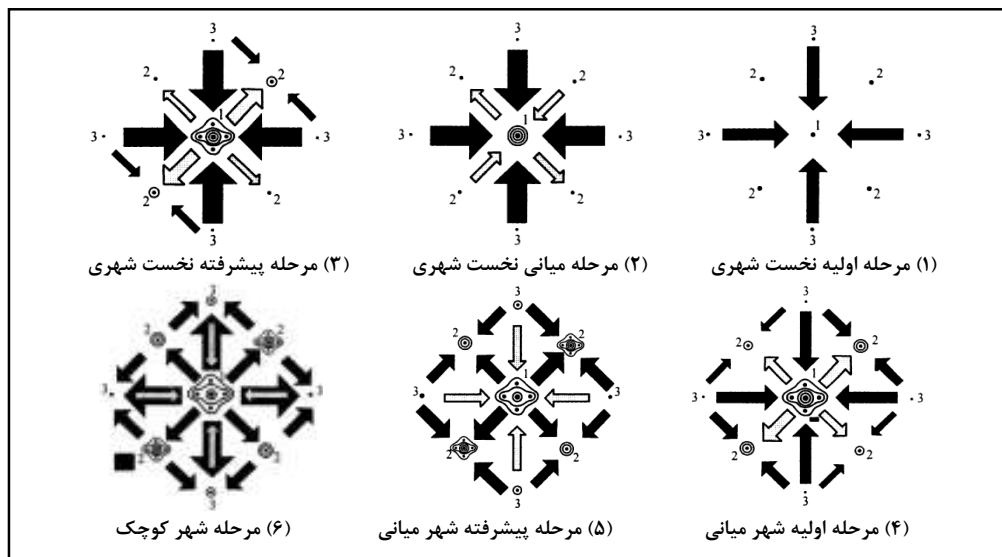
بر اساس مدل مرکز- پیرامون فریدمن (۱۹۶۶) و اضافه کردن فاکتورهایی از قبیل محدودیت‌های مکانی و صرفه‌های ناشی از تجمع، مطابق نظر ریچاردسون (۱۹۷۳) فضای اقتصادی که در آن نظام شهری ظاهر شده، در سه فاز توسعه گام برمی‌دارد. در ابتدا نظام شهری دستخوش فاز همگرایی است. فرایند شهری-صنعتی توسعه ملی به سبب کمبود منابع سرمایه‌گذاری، با تنها یک یا دو منطقه آغاز می‌شود. این شروع اولیه، تبدیل به فرایند انباشت تجمعی می‌شود که با بازده فزاینده نسبت به مقیاس و قطبی شدن متوالی نیروی کار و مازاد سرمایه سایر مناطق، تبیین شده است. بنابراین در مرحله بعد، رابطه مرکز- پیرامون تثبیت شده، جایی که منطقه مرکزی شامل شهر نخست و پسرانه‌اش بر سایر فضای اقتصادی که به عنوان پیرامون شناخته می‌شود، تسلط می‌یابد. پیرامون، تحت تسلط مرکز بوده، وابسته به آن است و نرخ توسعه آن بر حسب منافع اقتصادی مرکز کنترل می‌شود (Geyer, 2002: 8). در مرحله پیشرفته‌تر توسعه، تحولی فضایی شروع به رخ دادن در منطقه مرکزی می‌کند. جمعیت و صرفه‌های ناشی از تجمع در شهر نخست به حدی زیاد می‌شود که ساختار فضایی تک‌هسته‌ای ناکارآمد و پرهزینه می‌شود. هزینه‌های ازدحام و افزایش ارزش زمین، برخی فعالیت‌های اقتصادی را مجبور به عدم تمرکز و حرکت به سمت مراکز اقماری در درون منطقه مرکزی می‌کند. این مراکز می‌توانند به سبب فرصت‌های شغلی

هدایت دوباره رشد اقتصادی به دور از نواحی به شدت توسعه یافته، بر تأثیرات قطبی شدن پیشی می‌گیرد و موجب آغاز فرایند تمرکززدایی در آن می‌گردد. در این مرحله، فرایند تمرکززدایی به واگرایی بخش‌هایی از جمعیت و عملکردهای مرتبط در گستره‌ای وسیع‌تر می‌انجامد و از نظر فضایی موجب دگرگونی کلان شهرها و انبوه‌های شهری متمرکز می‌شود و کلان شهرهای گسترده و چندمرکزی شکل می‌گیرند. ریچاردسون این گرایش را تحت عنوان مفهوم برگشت تمرکز تبیین می‌کند. به اعتقاد وی، در این فرایند شهرهای ثانویه در یک منطقه در مقایسه با شهر اصلی به رشد سریع‌تری دست می‌یابند. به عبارت دیگر، در روند جدید گسترش کلان‌شهری، اکثریت رشد به تعدادی از شهرها و شهرک‌های داخل یک منطقه کلان‌شهری وسیع‌تر اما در فاصله‌های متفاوت از مرکز شهر اصلی انتقال یافته است. این روند رفته رفته به فرایند عدم تمرکز متمرکز می‌انجامد (زبردست و حاجی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

گیبیر و کانتولی با ارائه مفهوم شهرنشینی متغیر بر این باورند که شهرنشینی متغیر می‌تواند به عنوان سلسله‌ای از چرخه‌های توسعه شهری تعریف شود که در آن هر چرخه شامل فازهای متوالی شهرنشینی، برگشت تمرکز و شهرگریزی است. در فاز شهرنشینی، جریان اصلی مهاجرت‌ها به سوی شهر نخست است و این جریان با توسعه شهرهای میانی یا منطقه‌ای در فاز برگشت تمرکز و نهایتاً توسعه شهرهای کوچک در فاز شهرگریزی دنبال می‌شود. اما آنها بر این باورند که هر جا شهرگریزی رخ می‌دهد، روند عمومی مرتبط با آن چیزی است که به عنوان پراکندگی متمرکز شناخته می‌شود. وینینگ و استراوس (۱۹۷۷) و وینینگ و

هزینه‌های نیروی کار، ازدحام فزاینده، فشار بر مسکن و زیرساخت‌ها و نرخ بالاتر از میانگین افزایش هزینه‌های زندگی تسریع شود. با این حال، پخشایش بسیار نامتوازن و به صورت غیریکنواخت، با بیشترین رشد در بیرون منطقه مرکزی، اما در مجموعه محدودی از مراکز شهری نسبتاً بزرگ روی می‌دهد. در واقع، تمرکز ملی در منطقه مرکزی با تمرکز منطقه‌ای در مراکز مهم منطقه‌ای جایگزین می‌شود. در این مرحله، اقتصاد به طور فضایی با مراکز ثانویه خاص و مراکز کوچک که سریع‌تر از شهرهای نخست در حال رشد هستند، گره می‌خورد. اندرکنش میان نزدیک‌ترین مراکز ثانویه و مراکز کوچک و شهر نخست می‌تواند منجر به ظهور محورهای توسعه شود. این فاز منطبق بر فازهای پیشرفته شهر میانی و فازهای شهر کوچک می‌باشد. فاز دوم، در ارتباط با مفهوم برگشت تمرکز و فاز نهایی با شهرگزیزی است. این فازها با هم شهرنشینی متغیر نامیده می‌شوند (Geyer, 2002: 9).

در حال توسعه، با نرخ سریع‌تر از شهر نخست، مهاجران جدید را به سمت خود جذب کنند (Richardson, 1980: 67). متعاقباً، نیروهای قطبی شدن شروع به از دست دادن توان خود به نفع نیروهای تمرکززدا کرده و واگرایی اقتصادی شروع می‌شود. این فاز مطابق با مرحله پیشرفته نخست شهری و مرحله اولیه شهرهای میانی است. ریچاردسون اظهار می‌کند: این شرایط احتمالاً در ارتباط با ایجاد صرفه‌های ناشی از تجمع و سایر صرفه‌های ناشی از مقیاس در مکان‌های منتخب در پیرامون است و اینها بازتاب پخشایش و انتشار دانش فنی از مرکز، افزایش جمعیت و درآمد، گسترش بازارها، بهره‌برداری از منابع محلی، هزینه کمتر مواد اولیه، بهبود ارتباطات، توسعه زیرساخت‌ها و سایر فاکتورهایی است که توسعه اقتصادی را در این مکان‌ها مناسب می‌سازند. فرایند پخشایش می‌تواند از طریق تقویت موانعی برای گسترش شتابان ممتد در منطقه مرکزی از قبیل قیمت رو به افزایش زمین و



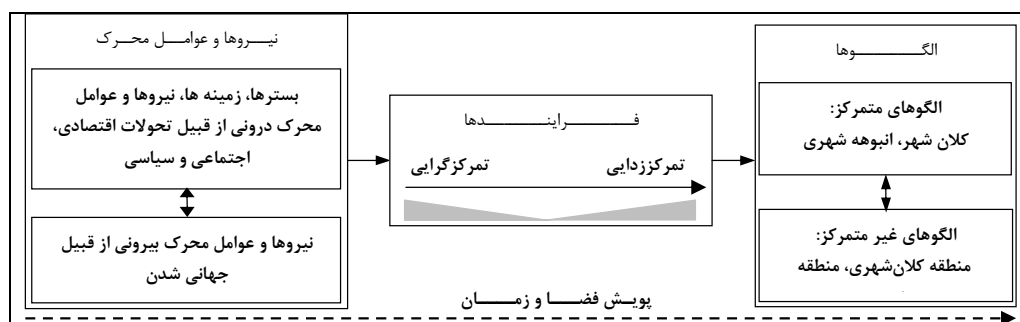
شکل ۱- مدل گرافیکی فازهای شهرنشینی متغیر (Geyer, 1996: 47)

دارد که در مناطق مختلف دنیا آزمون شده‌اند. در مدل، جمعیت چند شهر بسیار سریع‌تر از سایر شهرها در هر لحظه زمانی در طی انتقال به وضعیت پایدار رشد می‌کند. مدل نشان می‌دهد که شهرها در یک نظم متوالی رشد می‌کنند: پس از اینکه بزرگترین شهر تنها در چند دوره رشد کرد، دومین شهر بزرگ این مسیر را طی می‌کند و سپس شهر سوم و تا به آخر. بنابراین، پیش بینی می‌شود که رتبه شهرهایی که دارای سریع‌ترین نرخ رشد هستند، در طول زمان افزایش یابد.

بنابراین، براساس مبانی نظری مطالعه می‌توان گفت که فرایند شهرنشینی و رشد شهری تحت تاثیر عوامل و محرک‌های درونی و بیرونی شامل دو مرحله تمرکزگرایی و تمرکززدایی است که با توجه به کیفیت و شدت اثرگذاری این عوامل در هر دوره زمانی و در هر مکان خاص، بازتاب فضایی متفاوتی داشته و خود را به شکل خاصی رخنمون خواهد ساخت. در مرحله اول یعنی تمرکزگرایی، الگوی نخست شهری الگوی غالب رشد شهری بوده و به مرور در اثر ظهور مشکلات خاص نخست شهری، مرحله دوم یعنی تمرکززدایی آغاز شده که خود را به صورت الگوی مناطق کلان‌شهری نشان داده است. شکل ۲ مدل مفهومی تحقیق را به طور خلاصه نشان می‌دهد.

به طور کلی به نظر می‌رسد که تکامل شهری در سراسر دنیا از الگوی مشابهی تبعیت می‌کند. فاز نخست، ایجاد و تثبیت سکونتگاه شهری است. فاز دوم می‌تواند به عنوان فاز تمایز شهری نامیده شود که در آن به سبب بهبود تحرک و جابجایی و گسترش و تخصصی شدن فعالیت‌های شهری، سکونتگاه‌های شهری بزرگ‌تر به هزینه سکونتگاه‌های کوچک‌تر شکل گرفتند. نهایتاً، یک نظام شهری وارد فاز تثبیت یا تعادل شهری می‌شود که نیروهای تمرکزگرا شروع به از دست دادن نیروی خود به نفع نیروهای تمرکززدا می‌کنند. نکته قابل ذکر دیگر اینکه، در جریان فاز شهرنشینی، مهاجرت تولید محور (یعنی مهاجرت با هدف بهبود توانایی افراد برای یافتن کار) غالب است، درحالی‌که محیط‌گرایی یعنی شرایط زندگی خوشایند در دوره شهرگرایی مهم‌تر می‌باشد (Hart, 1983; Geyer and Kontuly, 1993; Geyer, 1996, 1998).

کیوبیز (Cuberes, 2011: 231) فرایند تمرکزگرایی و تمرکززدایی را تحت عنوان رشد شهری متوالی مدل سازی کرده است. در این مدل بیشترین میزان رشد و توسعه در آغاز مربوط به شهرهای بزرگ است و با گذر زمان رشد به صورت موجی به شهرهای کوچک‌تر منتقل می‌شود. این مدل چند دلالت آزمون پذیر



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

۳- تحلیل یافته‌ها

۳-۱- شهرنشینی و رشد شهری در ایران

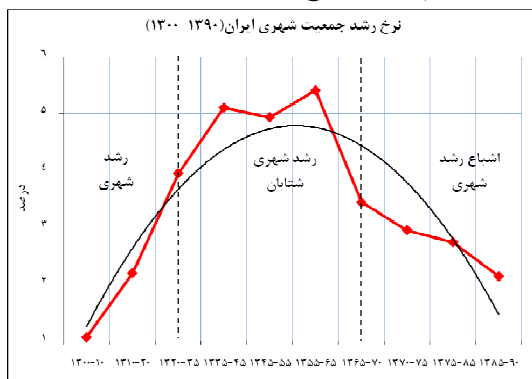
مطالعات مختلفی به منظور بررسی سیر تاریخی شهرنشینی و رشد شهری و تحولات آن در ایران معاصر به رشته تحریر درآمده است (ببینید: حسامیان، ۱۳۸۷؛ نظریان، ۱۳۸۸؛ رهنمایی، ۱۳۸۸)؛ اما علیرغم شباهت‌ها و تفاوت‌ها در یافته‌های این مطالعات، واقعیت این است که از دهه ۱۳۰۰ یعنی مقارن آغاز گسترش روابط اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری در ایران، شهر به مثابه مکان تحقق روابط سرمایه‌داری به تدریج جای خود را در حیات جامعه باز کرد. طی این دوره نزدیک به ۱۰۰ ساله، نقش شهر به تبعیت از الگوی توسعه اقتصادی دستخوش تحول و اوج و حضيض‌هایی بوده است.

حسامیان (۱۳۸۷) و به تبع آن نظریان (۱۳۸۸) دو دوره متمایز را در شهرنشینی معاصر ایران مشخص کرده‌اند. دوره اول که از دهه ۱۳۰۰ آغاز می‌شود و به اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ ختم می‌گردد. در این دوره رشد سالانه جمعیت شهری به طور متوسط ۲.۶۵ درصد بوده است. دوره دوم شهرنشینی پس از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ آغاز می‌گردد و تا سال ۱۳۵۵ ادامه می‌یابد. در این دوره رشد سالانه جمعیت شهری به ۴.۴۲ درصد رسیده است. در این دسته‌بندی، اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ به عنوان عامل نهایی فروپاشی شیوه‌های تولید سنتی در روستا و نقطه عطفی در روند شهرنشینی ایران متجلی می‌شود. در این تقسیم‌بندی، دوره اول شهرنشینی را به دلیل کندی آهنگ آن «شهرنشینی بطئی» و شهرنشینی دوره دوم را به دلیل آهنگ تند و اثرات دامنه‌تر آن بر زندگی جامعه «شهرنشینی سریع» نامیده شده است.

رهنمایی (۱۳۸۸) در اثر ارزشمند خود تحت عنوان دولت و شهرنشینی در ایران، با تاکید بر نقش دولت و تحول آن در ایران، اجرای قانون اصلاحات ارضی و گسستگی رابطه حقوقی مالکین با روستاها را نقطه عطف در شهرنشینی ایران معاصر می‌داند. به نظر وی، بعد از دهه ۱۳۴۰ دولت از موقعیت کارگزاری به موقعیت کارفرمایی بزرگ و کلانی در کشور رسید. از آنجایی که شهرها پایگاه اصلی حکومت و دولت جدید بودند، این دولت با بهره‌گیری از منابع درآمدهای نفتی، تزریق اعتبارات عمرانی و جاری در شهرها، عملاً در توسعه شهر و شهرنشینی به دخالت گسترده‌ای پرداخت.

با این حال، بررسی سیر تاریخی شهرنشینی و رشد شهری در ایران معاصر نشان می‌دهد که براساس نرخ رشد جمعیت شهری می‌توان سه دوره کلی را در شهرنشینی و رشد شهری ایران معاصر تشخیص داد (شکل ۳):

- دوره اول: دوره رشد شهری (۱۳۰۰-۱۳۴۰)
- دوره دوم: دوره رشد شهری شتابان (۱۳۴۰-۱۳۷۰)
- دوره سوم: دوره اشباع رشد شهری (۱۳۷۰-۱۳۹۰)



شکل ۳- نرخ رشد جمعیت شهری ایران (۱۳۰۰-۱۳۹۰)

۳-۱-۱- دوره اول: دوره رشد شهری (۱۳۴۰-۱۳۰۰)

در فاصله زمانی ۱۳۲۰-۱۳۰۰ روستاها با دارا بودن ۸۰ درصد تولید داخلی و ۷۲ درصد از جمعیت کشور، مکان اصلی تولید و استقرار جمعیت بودند و شهرها عمدتاً مکان تحقق تجارت داخلی و مرکز سیاسی حکومت به شمار می‌رفتند. شهر در این دوره به واسطه نقش غالب تجاری خود متمرکزکننده و مبادله کننده مازاد کشاورزی روستایی محلی بود. با گسترش بازار مصرف شهری و خاصه شهرهای بزرگ، شهرها به صورت نقاط تماس با کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و مکان واردات و مبادله کالاهای صنعتی خارجی درآمدند. رشد بازار مصرف شهری یکی از عوامل رشد مازاد کشاورزی در این دوره بود، چرا که تأمین مایحتاج جمعیت شهری خود مستلزم تولید و تمرکز مازاد کشاورزی بود. بنابراین، در عین حال که نقش تجارت خارجی در شهر روزافزون بود، لیکن استخراج و تمرکز مداوم مازاد روستایی همچنان جزو وظایف شهر در این دوره محسوب می‌گردد. این نقش شهر در روستا به صورت نقدینه‌کاری، یعنی جایگزین شدن محصولات سنتی و معیشتی با محصولات قابل فروش و قابل صدور، بازتاب می‌یابد. به همین دلیل ساخت محصولات کشاورزی در این دوره به سمت تخصصی‌شدن در محصولات قابل فروش گرایش پیدا می‌کند. بدین ترتیب بخش کشاورزی هر چه بیشتر منوط و مشروط به فعالیت‌های تجاری شهر می‌گردد و رونق تجارت در شهرها، که به دلیل گسترش زیرساخت‌های ارتباطی و برقراری امنیت سیاسی در این دوره تشدید شده است، باعث وابستگی حیات روستایی به رونق شهری می‌گردد. بنابراین، شهر در این دوره به صورت مکان تحقق مدرنیزاسیون و

روستا به صورت مکان ابقای شیوه‌های کهن تولید ظاهر می‌گردد. از آنجا که شهرها در این دوره عمدتاً گردآورنده و متمرکز کننده مازاد روستایی هستند، لذا در این دوره با شبکه‌ای از شهرها و روستاهایی مواجه می‌شویم که از انسجام و موزونی بیشتری برخوردار است. شهر و منطقه، به واسطه غلبه داشتن شبکه استخراج و تمرکز مازاد روستایی، در تقابل با یکدیگر رشد می‌کردند. شهرها در این دوره نمی‌توانستند مستقل از مازاد روستایی منطقه خود گسترش یابند و همین امر محدودیت شهرنشینی در این دوره را توجیه می‌کند. بنابراین، در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ بازتاب فضایی غلبه داشتن شبکه محلی و استخراج و تمرکز مازاد، همانا شبکه‌ای نسبتاً موزون از شهرها و روستاها است (حسامیان، ۱۳۸۷: ۴۳-۳۸). در این دوره ۲۰ ساله، نرخ رشد سالانه جمعیت شهری کشور ۱.۶۳ درصد بوده است؛ در حالیکه نرخ رشد سالانه جمعیت کشور و نرخ رشد سالانه جمعیت روستایی به ترتیب برابر ۱.۲۷ و ۱.۱۷ درصد بوده است. بنابراین، مقایسه نرخ رشد سالانه جمعیت کشور با نرخ رشد جمعیت شهری و روستایی بیانگر رشد آرام، موزون و همبسته جمعیت کل، شهری و روستایی بوده است. این رشد بیشتر تحت تاثیر رشد طبیعی جمعیت بوده و تاثیر مهاجرت در افزایش و کاهش جمعیت بسیار ناچیز بوده است.

در فاصله زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به دلیل وقوع جنگ جهانی، تجارت جهانی با رکود مواجه شد. در ایران نیز، با کاهش شدید میزان تجارت خارجی و صادرات مواد اولیه کشاورزی از یک سو، و ورود متفقین به ایران و هرج و مرج ناشی از آن، از سوی دیگر، رابطه سازمان یافته شهر و روستا از حیث مازاد اقتصادی

نوسانات آن به حیات خود ادامه دادند. با تبدیل شهر به محور اصلی حیات اقتصادی جامعه و گسترش زیرساخت‌های صنعتی و مالی جهت بسط مناسبات سرمایه‌داری، فعالیت‌های جدید و سودآور در شهرها پدید آمد. زمینه سرمایه‌گذاری متعددتر شد و به تدریج شهر به مرکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی بدل گردید. با کاهش نقش کشاورزی و رونق حیات شهری، روند مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر که از دوره قبل آغاز شده بود با شدت بیشتری ادامه یافت و رشد سالانه جمعیت شهری به ۴.۵۷ درصد رسید.

براین اساس، باید گفت که تا اواخر دهه ۱۳۳۰ نظام شهری کشور از همگونی نسبی برخوردار بود، تعادل در شبکه شهری و نظام شهری وجود داشت و هیچ شهری بر دیگری برتری نداشت؛ زیرا هنوز اقتصاد غالب کشور، کشاورزی بود. به همین علت شبکه شهری به صورت کهکشانی بود، یعنی هر شهری محل تمرکز مازاد روستایی، ارائه خدمات به آنها و برقراری ارتباط بین روستاهای حوزه نفوذ خویش بود. بدین ترتیب نوعی توسعه درون‌زا و پایدار در ایران حکمفرما بود (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

۳-۱-۲- دوره دوم: رشد شهری شتابان (۱۳۷۰-۱۳۴۰)

برنامه اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ همگام با رشد سریع جمعیت و توسعه اقتصاد شهری، منجر به ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختار طبقاتی روستاها و روابط زمینداری شد (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۱۸). هدف اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ عمدتاً تخصیص هر چه بیشتر امکانات و سرمایه‌ها به بخش صنعت و رواج خرده مالکی در روستا و گسترش بازار کالاهای

تضعیف شد. بدین ترتیب، شبکه محلی استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی که در دوره قبل براساس رونق نقدینه‌کاری شکل گرفته بود، در این دوره دچار گسیختگی شد. در این دوره، رکود حیات شهری و تجارت جهانی هر چند باعث بیکاری در روستا می‌گردد، لیکن خود این رکود عامل بازدارنده‌ای در روندهای مهاجرتی در این دوره است؛ زیرا حیات شهری نیز در شرایط رکود به سر می‌برد (حسامیان، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۳). با وجود رکود در حیات اقتصادی شهر و روستا، این دوره را باید زمان آغاز روندهای مهاجرتی در ایران دانست؛ زیرا دو عامل نزول سطح فعالیت‌های کشاورزی و اشاعه امکانات بهداشتی در روستاها، سبب افزایش مازاد نسبی جمعیت روستایی شد. با این حال، میزان مهاجرت‌ها چندان چشمگیر نیست؛ زیرا شهرها نیز در این دوره در شرایط رکود به سر می‌برند.

در دوره زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ با تداوم یافتن روند مدرنیزاسیون در مقیاس وسیع‌تر، در حقیقت زمینه تبدیل نفت به مهم‌ترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و در نتیجه کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات فراهم شد. در این دوره، علی‌رغم گسترش نسبی فعالیت‌های کشاورزی، مازاد اقتصاد روستایی دیگر تعیین‌کننده روند شهرنشینی نیست؛ بلکه شهر با اتکاء به مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت به محور اصلی تحولات جامعه بدل می‌گردد. با گسترش روزافزون تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری و وام‌های خارجی، شهرها هر چه بیشتر به مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز مازاد اقتصادی (درآمدهای حاصل از صادرات نفت) تبدیل شدند و در نتیجه هر چه بیشتر مستقل از مازاد اقتصادی روستایی و

طی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بوروکراسی دولتی شدیداً رشد کرد؛ تعداد حقوق و دستمزدبگیران بخش دولتی در مناطق شهری از قریب نیم میلیون نفر یا یک پنجم نیروی کار شهری و فعال اقتصادی در سال ۱۳۳۵ به حدود ۱.۵ میلیون نفر یا بیش از یک سوم نیروی کار پیشین افزایش یافت. سهم متوسط دولت در جهش مصرف کلی از ۱۰ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۵ درصد در اواسط دهه ۱۳۴۰ رسید. سهم متوسط بخش دولتی در تکوین سرمایه از ۳۶ درصد به ۵۴ درصد در طی دوره زمانی فوق افزایش یافت. در نتیجه، در اواسط دهه ۱۳۵۰ بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی در بخش دولتی صورت می‌گرفت و بخش اساسی باقیمانده از تجارت، فعالیت‌های ساخت و ساز و سایر خدماتی که عمدتاً از طریق هزینه دولتی درآمدهای نفتی صورت می‌گرفت، حاصل می‌شد. بنابراین، در این دوره دولت به عنوان یک سرمایه‌دار بزرگ ظاهر شد که کلیه صنایع سنگین، بسیاری از شرکت‌های صنعتی بزرگ، همه خطوط حمل و نقل عمده و مراکز کشت و صنعت را به خود اختصاص داده بود و نظام بانکداری شدیداً توسط آن کنترل می‌شد. این جریان باعث توسعه دولت سرمایه‌داری رانتیر در ایران شد که طبقات اجتماعی در حال ظهور را کنترل می‌کرد. انگیزه و اشتیاق دولت برای اینکه تولیدات داخلی را جایگزین واردات کند باعث شد تا تعدادی از تولیدکنندگان کالاهای صنعتی دست به تأسیس کارخانه بنزند(اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۲۵). در واقع، دوره پس از اصلاحات ارضی در ایران آغاز مرحله دوم صنعتی شدن ایران با الگوی جایگزینی واردات و تنوع یافتن یافتن نسبی ساخت صنعت ایران است. از طرف دیگر، تغییر الگوهای مصرف جامعه که با آغاز

مصرفی به روستاها بود؛ اما، برنامه اصلاحات ارضی در برخورد با ساخت تک محصولی اقتصاد ایران منجر به فروپاشی روابط سنتی تولید و عدم جایگزینی روش‌ها و مناسبات جدید تولیدی به جای آن بود (حسامیان، ۱۳۸۷: ۶۲-۵۹).

بسیاری اعتقاد دارند که اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ در مجموع موجب نقصان و زیان برای کشاورزی و بویژه تولیدات کشاورزی و در نتیجه فقیر شدن دهقانان شد، که موجب افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها گردید. اما در واقع انفجار جمعیت(افزایش جمعیت از قریب ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۳۴ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵) علت عمده مهاجرت‌ها بود. رشد سریع جمعیت، توأم با عوامل جاذب شهری و فشارهای زندگی روستایی موجب تشویق مهاجرت انبوه روستاییان به شهرها شد. بخش روستایی ایران قادر به حمایت از تعداد روستاییان در حال افزایش نبود. مهاجرت قابل توجه از روستا به شهر از دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ شروع شد. برای مثال، جمعیت تهران از نیم میلیون نفر در سال ۱۳۱۹ به ۱.۵ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ و ۳ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ رسید. این دوره‌ای است که هنوز اصلاحات ارضی اثری بر زندگی روستایی نداشته است. اما، یک عامل که اثر عمده‌ای داشت عبارت بود از جبهه‌گیری دوایر حکومتی که از طریق قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی پایین‌تر از ارزش واقعی بازار، قیمت‌هایی را تحمیل می‌کردند که با افزایش سریع قیمت محصولات صنعتی و دستمزدها فاصله آشکار داشت و بنابراین در مقابل سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایجاد مانع می‌کرد (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

خانواده‌ها به‌ویژه زوج‌های جوان در کاهش تعداد فرزندان و افزایش هزینه‌های زندگی به‌خصوص در شهرهای بزرگ، فرایند شهرنشینی و رشد شهری ایران به مرحله‌ای وارد شد که می‌توان آن را مرحله‌اشباع رشد شهری نامید.

۳-۲- نظام شهری ایران

نظام شهری را می‌توان در حکم مجموعه‌کاملی از شهرهای بزرگ و کوچک تعریف کرد که در کنار هم، بافت سکونتگاهی یک ناحیه معین را شکل داده و در یک بخش منطقه‌ای، ملی یا در یک کل قاره‌ای استقرار یافته‌اند. نظام‌های شهری، انطباق‌پذیر و همواره در حال تغییر و تحول ساختارها و پیوندهای بیرونی خود هستند (ایراندوست، دهقان منشادی و احمدی، ۱۳۸۴: ۸۸). نظام شهری ملی در طول زمان به شیوه‌های گوناگونی از قبیل تغییر در شرایط اجتماعی، اقتصادی، فناوری و جغرافیایی اطراف آنها تکامل می‌یابد (Guoqing, 2007: 11). تغییر در نظام‌های شهری فرایندی پیوسته است که به‌طور همزمان در سطوح فضایی مختلف در حال رخ دادن است (van der Laan, 1998: 235).

تحت تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی و محلی، ساختار نظام شهری ایران تغییرات مهم و معناداری را تجربه کرده است. بر اساس نتایج اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵، تعداد شهرهای ایران ۱۹۹ شهر بوده است. شهر تهران با دارا بودن ۲۵.۲ درصد از جمعیت شهری کشور در رأس نظام شهری ایران قرار داشته است. به جز شهر تهران، هیچ شهر بالای ۵۰۰ هزار نفر در نظام شهری ایران وجود نداشته است. در سال ۱۳۳۵، شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر بیش از ۷۷ درصد

روند نوسازی شروع شد، در این دوره شدت گرفت، و زمینه برای استقرار صنایع مونتاژ و جایگزینی واردات فراهم شد.

با وقوع انقلاب اسلامی به عنوان نهضتی با ماهیت شهری در اواخر دهه ۱۳۵۰، و عواملی از قبیل بروز جنگ تحمیلی و مهاجرت ساکنان مناطق جنگی به سایر شهرهای کشور، اجرای طرح‌های آماده‌سازی، گسترش بخش خدمات، گرایش بیشتر به شهرنشینی و رشد شتابان جمعیت کشور سبب توسعه شهرها و تشدید روند شهرنشینی در ایران تا اواخر دهه ۱۳۶۰ شدند.

در این دوره (۱۳۷۰-۱۳۴۰) تحت تاثیر رشد جمعیت، اصلاحات اراضی و وابستگی روزافزون به مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت، روستاها با سه تحول عمده شامل تحول در ساخت مالکیت اراضی، وابستگی به اقتصاد پولی و مکانیزه شدن کشاورزی مواجه شدند. از طرف دیگر، شهرها با افزایش روزافزون درآمدهای نفتی به مکان تحقق مازاد اقتصاد ملی تبدیل شدند. بدین ترتیب، تاثیرات متقابل تحولات شهر و روستا در این دوره به شکل حلقه‌ای از روابط علت و معلول درآمد، و باعث تشدید شهرنشینی و مهاجرت‌های داخلی در این دوره شد.

۳-۱-۳- دوره سوم: اشباع رشد شهری (۱۳۹۰-۱۳۷۰)

با پایان یافتن جنگ تحمیلی، بازگشت آوارگان به مناطق جنگی، شروع دور تازه‌ای از سیاست‌های تنظیم خانواده توسط دولت از اواخر دهه ۱۳۶۰، افزایش سطح سواد و تحصیلات جمعیت کشور به‌ویژه در بین زنان، تمایل بیشتر زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و کار خارج از منزل، تغییر نگرش و تمایل

سال ۱۳۵۵ به ۲۲.۵۳ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش می‌یابد. شهر مشهد به عنوان دومین شهر میلیونی ایران پس از تهران در نظام شهری ایران پدیدار می‌شود. افزایش تعداد و سهم جمعیتی شهرهای بزرگ، افزایش تعداد شهرهای میانی علی‌رغم ثبات نسبی سهم جمعیتی آنها از جمعیت شهری کشور و افزایش تعداد شهرهای زیر ۲۵ هزار از ۲۸۳ در سال ۱۳۵۵ به ۳۴۳ در سال ۱۳۶۵ و کاهش سهم جمعیتی آنها از ۱۷.۹۸ درصد به ۱۲.۵۶ درصد از ویژگی‌های بارز نظام شهری ایران در این دوره است.

در سال ۱۳۷۵ تعداد شهرهای کشور به ۶۱۲ شهر رسید. افزایش مطلق و نرخ رشد تعداد شهرها در دوره زمانی ۷۵-۱۳۶۵ به ترتیب برابر ۱۱۶ شهر و ۲۳.۴ درصد می‌باشد. کاهش سهم جمعیتی تهران از ۲۲.۵۳ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۸.۳۶ درصد در سال ۱۳۷۵، ثبات نسبی در تعداد و سهم جمعیتی شهرهای بزرگ، افزایش تعداد و جمعیت شهرهای میانی و نهایتاً کاهش سهم نسبی شهرهای کوچک علی‌رغم افزایش تعداد آنها مهم‌ترین ویژگی‌های نظام شهری ایران در این دوره می‌باشد.

در سال ۱۳۸۵ تعداد شهرهای کشور با افزایش قابل توجهی به ۱۰۱۲ شهر می‌رسد؛ در واقع، در دوره زمانی ۸۵-۱۳۷۵ تعداد ۴۰۴ شهر به نظام شهری ایران افزوده شده است، که نرخ رشد بی سابقه ۶۶ درصدی را در تعداد شهرها نشان می‌دهد. سهم جمعیتی شهر تهران از جمعیت شهری کشور با ادامه روند نزولی خود از ۱۸.۳۶ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۶.۶ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش می‌یابد. اضافه شدن چهار شهر به جمع شهرهای بالاتر از ۵۰۰ هزار نفر، ثبات نسبی در تعداد و جمعیت شهرهای میانی و افزایش شدید

شهرهای ایران را شامل می‌شوند؛ در حالیکه این طبقه از شهرها، تنها ۲۵.۸۶ درصد از جمعیت شهری ایران را در خود جای داده است.

با افزوده شدن ۷۳ شهر به نظام شهری ایران، تعداد شهرها در سال ۱۳۴۵ به ۲۷۲ شهر افزایش یافت. نرخ رشد تعداد شهرها در دوره زمانی ۴۵-۱۳۳۵ برابر ۳۶.۷ درصد می‌باشد. در این دوره زمانی سهم جمعیت تهران نسبت به کل جمعیت شهری کشور از ۲۵.۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۷.۸ درصد در سال ۱۳۴۵ افزایش می‌یابد. شهرهای بزرگ و متوسط هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ اندازه افزایش قابل توجهی داشته، بطوریکه شهرهای ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر بیش از ۳۰ درصد جمعیت شهری کشور را در خود جای داده‌اند. در این دوره شهرهای کوچک علی‌رغم افزایش در تعداد با کاهش سهم در جمعیت شهری کشور مواجه بوده‌اند.

در سال ۱۳۵۵ تعداد شهرهای ایران به ۳۷۳ رسید. افزایش مطلق تعداد شهرها در دوره زمانی ۵۵-۱۳۴۵ برابر ۱۰۱ شهر و نرخ رشد تعداد شهرها ۳۷.۱ درصد بوده است. افزایش سهم تهران از جمعیت شهری کشور، افزایش تعداد و سهم جمعیتی شهرهای بزرگ و میانی، افزایش تعداد شهرهای کوچک و کاهش سهم آنها از جمعیت شهری کشور و ظهور سه شهر با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر (به جز تهران) را می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های نظام شهری ایران در این دوره دانست.

تعداد شهرها در سال ۱۳۶۵ با افزوده شدن ۱۲۳ شهر به نظام شهری کشور به ۴۹۶ می‌رسد؛ که نرخ رشد ۳۳ درصدی را در تعداد شهرها نشان می‌دهد. در این دوره سهم جمعیتی شهر تهران از ۲۸.۶۸ درصد در

افزایش مطلق تعداد شهرها به ترتیب برابر ۱۲.۵ درصد و ۱۲۷ شهر بوده است. در سال ۱۳۹۰، سهم جمعیتی شهر تهران روند نزولی خود را ادامه داده است، اما به طور کلی در طبقات جمعیتی شهرها تغییرات چندانی دیده نمی‌شود.

تعداد شهرهای کوچک و افزایش نسبی سهم جمعیتی آنها از ۱۰.۷۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲.۳ درصد در سال ۱۳۸۵ خصوصیات بارز نظام شهری ایران در این دوره هستند.

در سال ۱۳۹۰ تعداد شهرهای ایران به ۱۱۳۹ شهر افزایش یافته است، که نرخ رشد تعداد شهرها و

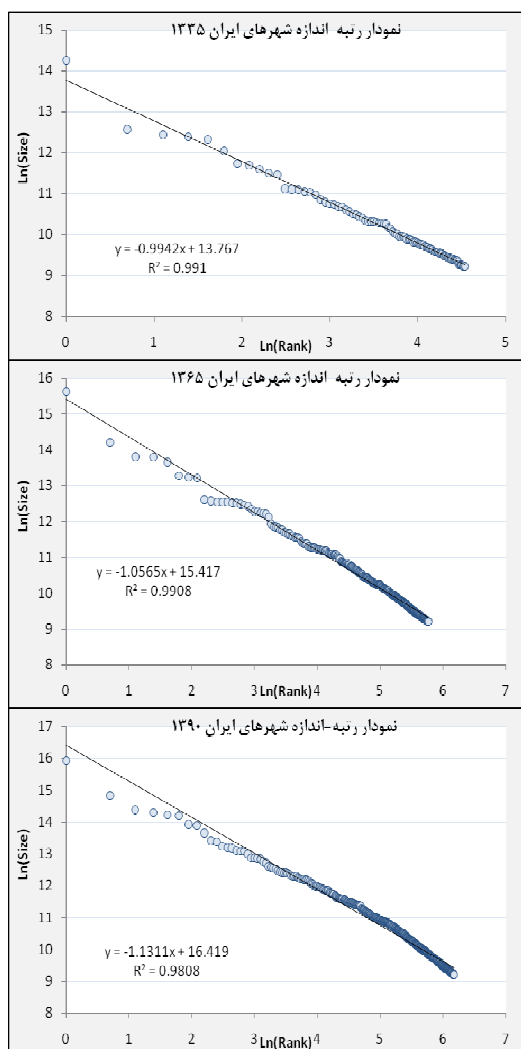
جدول ۱- تعداد شهر و درصد جمعیت شهری به تفکیک طبقات جمعیتی (۹۰-۱۳۳۵)

۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	تعداد	طبقات جمعیتی
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	تعداد	تهران
۱۵.۱۹	۱۶.۱۶	۱۸.۳۶	۲۲.۵۳	۲۸.۶۸	۲۷.۷۶	۲۵.۲	درصد	
۷	۵	۴	۱	۰	۰	۰	تعداد	بالاتر از ۱ میلیون نفر
۲۰.۹۹	۱۶.۶۷	۱۴.۶۶	۵.۴۶	۰	۰	۰	درصد	
۶	۷	۴	۶	۳	۰	۰	تعداد	۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون
۷.۰۴	۱۰.۲۹	۸.۷۳	۱۶.۷۴	۱۲.۲۱	۰	۰	درصد	
۷۲	۶۷	۵۰	۳۳	۱۹	۱۳	۸	تعداد	۱۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار
۲۷.۲۶	۲۷.۰۲	۲۶.۹۱	۲۲.۵۲	۲۲.۱۸	۳۰.۰۹	۲۵.۶۴	درصد	
۸۱	۷۰	۶۰	۴۵	۲۲	۱۵	۹	تعداد	۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار
۱۰.۵۴	۱۰.۰۴	۱۱.۵۷	۱۱.۵۵	۹.۳۸	۱۰.۰۹	۱۰.۵۵	درصد	
۱۰۳	۱۰۰	۹۴	۶۷	۴۵	۳۰	۲۲	تعداد	۲۵ هزار تا ۵۰ هزار
۶.۸۳	۷.۵۷	۸.۹۹	۸.۶۵	۹.۵۸	۱۱.۰۴	۱۲.۷۵	درصد	
۸۶۹	۷۶۲	۳۹۹	۳۴۳	۲۸۳	۲۱۳	۱۵۹	تعداد	کمتر از ۲۵ هزار
۱۲.۱۲	۱۲.۲۸	۱۰.۷۸	۱۲.۵۶	۱۷.۹۸	۲۰.۲۱	۲۵.۸۶	درصد	
۱۱۳۹	۱۰۱۲	۶۱۲	۴۹۶	۳۷۳	۲۷۲	۱۹۹	تعداد شهرها	

مراتب شهری ایران قرار گرفته‌اند، که تعدد این شهرها بر عدم تعادل نظام شهری می‌افزاید. در سال ۱۳۴۵ کلان‌شهر تهران هم چنان به رشد شتابان خود ادامه می‌دهد و فاصله خود را با سایر شهرهای کشور بیشتر می‌کند. شهرهای میانی نیز روند رو به رشد خود را ادامه داده‌اند، اما به دلیل رشد سریع تهران نتوانسته‌اند شکاف موجود میان کلان‌شهر اصلی و شهرهای میانی را پوشش دهند. در انتهای سلسله مراتب شهری هم چنان بر تعداد شهرهای کوچک کشور افزوده می‌شود.

۳-۳- الگوی رتبه-اندازه شهرهای ایران

بررسی نتایج حاصل از قاعده رتبه-اندازه برای شهرهای بالای ده هزار نفر ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۳۵ نظام شهری ایران دارای ساختار نامتعادلی بوده است. در این نظام شهری، کلان‌شهر تهران به صورت متمایزی خود را از سایر شهرهای کشور جدا کرده است. در فاصله زیادی از این کلان‌شهر چندین شهر میانی قرار گرفته‌اند که از یک طرف فاصله زیادی با کلان‌شهر اصلی کشور داشته و از طرف دیگر در حال جدا کردن خود از شهرهای کوچک هستند. شهرهای کوچک به تعداد فراوان در انتهای سلسله



شکل ۴- نمودار رتبه-اندازه شهرهای بالای ده هزار نفر شاخص نخست شهری استفاده شده است. پدیده نخست شهری از سال ۱۳۰۰ شمسی در نظام شهری ایران شکل گرفته است. میزان نخست شهری در ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۵ افزایش پیدا کرده و نقطه اوج آن در سال ۱۳۵۵ می‌باشد. برای جلوگیری از رشد شتابان و فزاینده میزان نخست شهری در ایران سیاست‌ها و اقدامات متعددی به کار رفته است. از جمله این سیاست‌ها و اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نتایج حاصل از قاعده رتبه-اندازه در سال ۱۳۵۵ نشان می‌دهد که وضعیت تشریح شده در دهه قبل در این دهه نیز ادامه می‌یابد. اما در سال ۱۳۶۵ به دنبال رشد شهری شتابان در ایران، نظام شهری دستخوش تغییرات گسترده‌ای می‌شود. در این سال شهرهای مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز با اضافه شدن به جمع شهرهای بزرگ شکاف موجود میان کلان شهر تهران و شهرهای میانی را تا حدودی پوشش داده و خود را از شهرهای میانی کشور جدا می‌کنند. از طرف دیگر، هم چنان به تعداد شهرهای کوچک کشور افزوده می‌شود.

در سال ۱۳۷۵ فاصله میان تهران و شهرهای بزرگ کشور کاهش می‌یابد. شهرهای میانی نیز به رشد سریع خود ادامه می‌دهند و بر تعداد شهرهای کوچک به شدت افزوده می‌شود. در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ شکاف میان شهرهای میانی و شهرهای بزرگ پر شده، اما فاصله میان شهر تهران با سایر شهرها و فراوانی شهرهای کوچک هم چنان بر عدم تعادل نظام شهری ایران می‌افزاید.

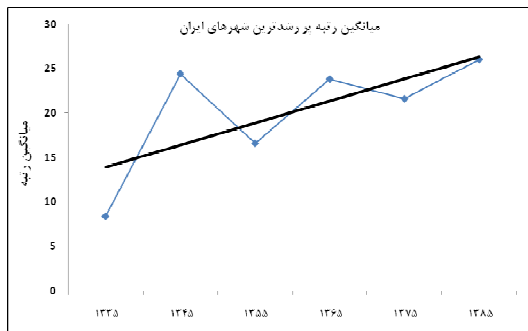
به طور کلی نتایج حاصل از توزیع رتبه-اندازه شهرهای بالای ده هزار نفر در ایران نشان می‌دهد که متعادل‌ترین توزیع مربوط به سال ۱۳۳۵ بوده و با گذر زمان توزیع شهرها به سمت عدم تعادل میل کرده و در سال ۱۳۹۰ نامتعادل‌ترین توزیع را نشان می‌دهد.

۳-۴- نخست شهری

بررسی نتایج حاصل از تحلیل رتبه-اندازه شهرهای ایران نشان داد که یکی از عوامل اصلی عدم تعادل در نظام شهری ایران، وجود کلان‌شهر تهران است. برای شناخت بهتر جایگاه تهران در نظام شهری ایران از

سمت شهرهای کوچکتر در سلسله مراتب شهری یک کشور ادامه خواهد یافت. این بدان معناست که شهرها در یک نظم نسبی رشد می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود که رتبه شهرهایی که دارای سریع‌ترین رشد هستند، در طول زمان افزایش یابد.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین رتبه پررشدترین شهرهای ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ روند افزایشی داشته است. در سال ۱۳۳۵، میانگین رتبه پررشدترین شهرهای ایران حدود ۷ بوده که در سال ۱۳۹۰ به حدود ۲۷ افزایش یافته است. بنابراین، می‌توان استنباط نمود که در ایران همانند سایر کشورهای دنیا شهرنشینی در دو مرحله تمرکزگرایی و تمرکززدایی در حال وقوع است.



شکل ۶- میانگین رتبه پررشدترین شهرهای ایران

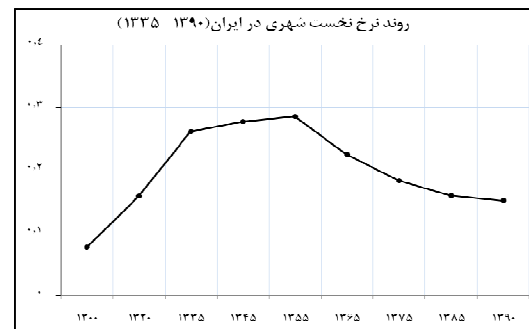
۳-۶- تغییرات فضایی-زمانی رشد شهری در ایران تا سال ۱۳۳۵ به دلیل حاکم بودن نوعی توسعه درون‌زا و پایدار، نظام شهری ایران از همگونی نسبی برخوردار بود. از این زمان به بعد با تغییر بنیان اقتصاد شهرنشینی از اقتصاد کشاورزی به درآمدهای نفتی، دخالت دولت در برنامه ریزی اقتصادی به نفع شهرها و انجام اصلاحات ارضی و فروپاشی روابط سنتی تولید، شهرنشینی روند شتابانی به خود گرفت؛ اما نرخ رشد شهرها دارای وضعیت متعادل و موزونی نبوده و سلسله مراتب شهری تحت تاثیر عوامل مختلف

- ایجاد قطب‌های توسعه برای جذب صنایع بزرگ به آنها در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم؛ منع احداث صنایع سنگین در شعاع ۱۲۰ کیلومتری شهر تهران.

- ارایه معافیت‌های مالیاتی برای صنایعی که در سایر استان‌های کشور ایجاد شوند، معافیت‌های مالیاتی ۱۲ ساله برای صنایعی که از شهر تهران به سایر استان‌های کشور انتقال یابند.

- به کارگیری راهبردهای توسعه شهری به منظور مهار و آمایش رشد تهران و تقویت نقش و جایگاه شهرهای میانی و کوچک (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۰).

میزان نخست شهری از سال ۱۳۵۵ به بعد تاکنون با طی روندی نزولی به تدریج کاهش پیدا کرده است؛ با این حال، هنوز نخست شهری در نظام شهری ایران وجود دارد. به طور کلی، شاخص نخست شهری در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۵ حرکت به سمت عدم تعادل و از ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ حرکت به سمت تعادل در نظام شهری ایران را نشان می‌دهد.



شکل ۵- نمودار روند نرخ نخست شهری در ایران

۳-۵- رتبه پررشدترین شهرها

براساس مدل کیوبیرز (۲۰۱۱)، در آغاز دوران رشد شهری در یک قلمرو، شهرهای بزرگ بیشترین میزان رشد را دارا هستند و به مرور بر اثر هزینه‌های ناشی از ازدحام رشد آنها کند شده و شهرهای ثانویه دارای رشد بیشتری خواهند شد. این فرایند هم چنان به

اقتصادی، سیاسی، محیطی و فناوری تغییرات فراوانی را تجربه کرده است.

نرخ رشد جمعیت شهری ایران در دهه ۴۵-۱۳۳۵ معادل ۵.۱ درصد بوده است. در این دوره زمانی بیش از ۲۲ درصد شهرهای بالای ده هزار نفر ایران، نرخ رشد سالانه بیش از ۵ درصد را تجربه کرده‌اند. بالاترین نرخ رشد سالانه مربوط به شهر کرج با ۱۱.۷۸ درصد بوده است. پس از شهر کرج، شهرهای مهاباد، زاهدان، گنبدکاووس، خرمشهر، برازجان، بندرعباس، بیرجند، شاهرود، گرگان و آمل دارای بالاترین نرخ رشد سالانه جمعیت بوده‌اند.

در دهه ۵۵-۱۳۴۵، نرخ رشد جمعیت شهری با کاهش اندکی به ۴.۹۳ درصد می‌رسد. با این حال، تعداد شهرهای بالای ده هزار نفر ایران که دارای نرخ رشد سالانه بیش از ۵ درصد هستند به ۳۵ درصد کل شهرهای ایران افزایش می‌یابد. شهر کرج همانند دوره قبل با نرخ رشد سالانه ۱۲.۰۴ درصد، بالاترین نرخ رشد را در میان شهرهای ایران دارا می‌باشد. پس از شهر کرج، شهرهای خوراسگان، اسلام‌آباد غرب، بندرعباس، بوشهر، زاهدان، زاینده‌رود، ورامین و نقده پررشدترین شهرهای ایران در این دوره هستند.

دهه ۶۵-۱۳۵۵ شاهد بالاترین نرخ رشد شهری در تاریخ شهرنشینی ایران معاصر می‌باشد؛ در این دوره نرخ رشد سالانه جمعیت شهری به رقم بی‌سابقه ۵.۴۱ درصد می‌رسد. در این دهه بیش از ۶۴ درصد شهرهای بالای ده هزار نفر ایران رشد شهری بیش از ۵ درصد را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، در این دهه بیش از ۸ درصد شهرهای بالای ده هزار نفر ایران دارای نرخ رشد سالانه بالاتر از ۱۰ درصد بوده‌اند. بالاترین نرخ رشد در این دوره مربوط به شهر قرچک

با نرخ رشد سالانه ۱۷.۹۸ درصد می‌باشد و پس از آن شهرهای ایذه، اسلامشهر، بندر امام خمینی، شادگان، ایرانشهر، کوهدشت، بوکان، قروه، زاهدان، تربت جام، اسدآباد، ایلام، بندر گناوه و سقز عنوان پررشدترین شهرهای ایران را به خود اختصاص داده‌اند.

با فروکش کردن نسبی تب شهرنشینی و رشد شهری، نرخ رشد سالانه جمعیت شهری ایران در دهه ۷۵-۱۳۶۵ به رقم ۳.۲۱ کاهش می‌یابد. به دنبال کاهش نرخ رشد جمعیت شهری کشور، تنها حدود ۱۳.۵ درصد شهرهای بالای ده هزار نفر ایران، در این دهه دارای نرخ رشد بالاتر از ۵ درصد بوده‌اند. بالاترین نرخ رشد سالانه در این دوره مربوط به شهر باغستان با ۸.۶۲ درصد بوده است. پس از شهر باغستان، شهرهای پارس‌آباد، رباط‌کریم، هشتگرد، خاش، آبیک، ایرانشهر، دهدشت، تاکستان، اندیمشک، قدس، ورامین، دیواندره و قرچک دارای بالاترین نرخ رشد بوده‌اند.

در دهه ۸۵-۱۳۷۵ نرخ رشد سالانه جمعیت شهری ایران با کاهش مجدد به ۲.۷۴ درصد می‌رسد. تعداد شهرهای با نرخ رشد سالانه بیش از ۵ درصد نیز به حدود ۶.۵ درصد کل شهرهای بالای ده هزار نفر ایران کاهش می‌یابد. این شهرها که همگی در منطقه کلان شهری تهران قرار دارند، شامل شهرهای محمدشهر، شهریار، اندیشه، کمال‌شهر، گلستان، صالح‌آباد، ملارد و پاکدشت هستند.

در دوره زمانی ۹۰-۱۳۸۵ نرخ رشد سالانه جمعیت شهری ایران به ۲.۱۴ درصد کاهش می‌یابد. در این فاصله زمانی پنج ساله تنها سه شهر از مجموع شهرهای بالای ۱۰ هزار نفر ایران دارای نرخ رشد سالانه بالاتر از ۵ درصد بوده‌اند. این سه شهر

شهرهای با Z -score مثبت در غرب کشور و در محدوده‌ای شامل استان‌های همدان، کرمانشاه، لرستان و خوزستان شکل گرفته است. در واقع، شهرهای واقع در این چهار استان در کنار همدیگر خوشه‌ای از شهرهای با نرخ رشد بالا را شکل داده‌اند.

دهه ۷۵-۱۳۶۵ شاهد تمرکز شدید شهرهای با Z -score مثبت معنادار در منطقه کلان‌شهری تهران است. خوشه شهری مذکور نه تنها استان تهران، بلکه استان‌های مازندران، قزوین، قم و مرکزی را نیز در بر می‌گیرد. نکته قابل ذکر دیگر در این دهه، شکل‌گیری خوشه‌ای از شهرهای با Z -score منفی در استان خوزستان است. این شهرها پس از یک دهه رشد شتابان با کاهش شدید نرخ رشد شهری مواجه شده‌اند.

نتایج حاصل از تحلیل شاخص $Getis - Ord G_i^*$ در دهه ۸۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که تمرکز شهرهای با Z -score مثبت بالا در منطقه کلان‌شهری تهران و نواحی اطراف آن شدت بسیار بیشتری یافته و محدوده این خوشه نیز گسترش یافته است؛ در حالیکه، شهرهای با Z -score منفی بالا مناطق غربی کشور و منطقه کلان‌شهری اصفهان را در بر گرفته‌اند.

در فاصله زمانی ۹۰-۱۳۸۵ شدت و محدوده شهرهای با Z -score مثبت بالا در منطقه کلان‌شهری تهران کاهش یافته است و از طرف دیگر خوشه کوچکی از شهرهای با Z -score مثبت در جنوب ایران مشاهده می‌شود که شامل شهرهای بندر کنگان، بندر خمیر، گاوبندی، بندر لنگه، لامرد، اهرم، کنگ، بندر دیر، جهرم، خورموج و قیر می‌باشد.

بندرکنگان، صباشهر و چمران به ترتیب با نرخ رشد سالانه ۱۲.۵۸، ۱۰ و ۵.۳۱ درصد هستند.

بررسی کلی تغییرات فضایی-زمانی رشد شهری در ایران به همراه نتایج حاصل از تحلیل رتبه-اندازه و روند نرخ نخست شهری اشارات اولیه‌ای را پیرامون شکل‌گیری الگوهای منطقه‌ای در ایران ارائه می‌دهد. استفاده از آمار فضایی می‌تواند راه حل مناسبی برای شناسایی این الگوها و تغییرات آنها در طول زمان باشد.

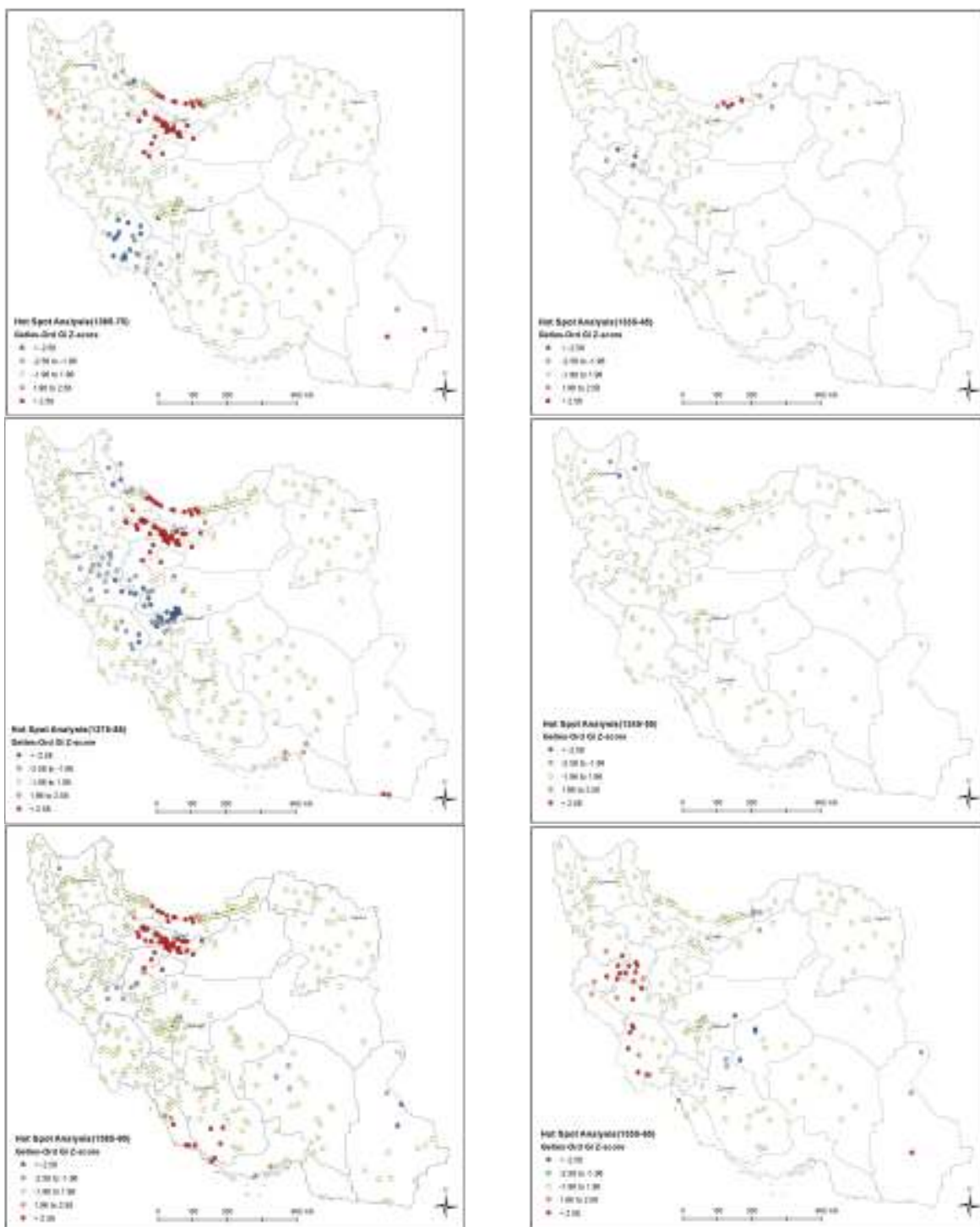
۳-۷- شکل‌گیری خوشه‌های شهری و وضعیت مرکز-پیرامون در سلسله مراتب شهری ایران

برای بررسی تغییرات فضایی-زمانی رشد شهری و شناسایی الگوهای رشد شهری در ایران از روش تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی و به طور خاص از شاخص $Getis - Ord G_i^*$ استفاده شده است.

نتایج حاصل از شاخص $Getis - Ord G_i^*$ نشان می‌دهد که در دهه ۴۵-۱۳۳۵ خوشه معناداری از شهرهای با Z -score مثبت در شمال ایران شکل گرفته است. این خوشه شهری کوچک شامل شهرهای گنبدکاووس، شاهرود، گرگان، آمل، ساری، قائم شهر، بهشهر و بابل می‌باشد.

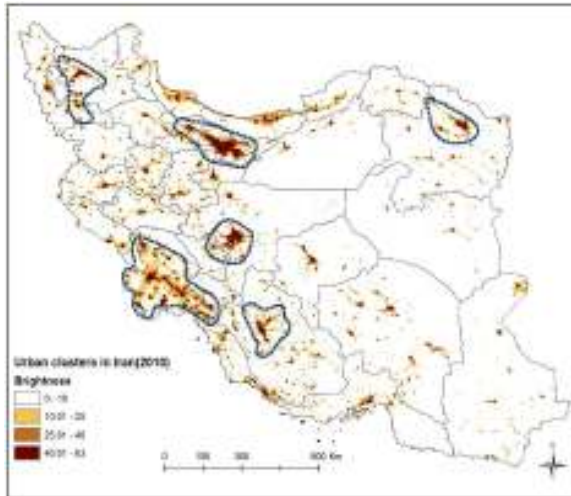
در دهه ۵۵-۱۳۴۵ هیچ گونه خوشه‌بندی معناداری براساس نرخ رشد شهری در ایران مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر، در این دوره نمی‌توان مجموعه‌ای از شهرها را مشخص کرد که به طور معناداری با سرعت بیشتری نسبت به سایر شهرهای ایران در حال رشد باشند. در این دوره می‌توان به طور نسبی تئوری رشد موازی شهرها را پذیرفت.

نتایج حاصل از شاخص $Getis - Ord G_i^*$ در دهه ۶۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد که خوشه معناداری از



شکل ۷- پویایی فضایی-زمانی رشد شهری ایران در شش دوره زمانی مختلف

ماهواره ای ظهور خوشه‌های شهری عمده‌ای را در ایران نشان می‌دهند.



شکل ۸- خوشه‌های شهری ایران (۲۰۱۰)

۴- نتیجه‌گیری

شهرنشینی و رشد شهری به عنوان پدیده‌ای جهانی، همه کشورهای دنیا را تحت تاثیر قرار داده است. شدت تاثیرات این پدیده در ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه در چند دهه اخیر به اوج خود رسیده است. شناخت و درک این پدیده و اثرات آن، نیازمند ارائه چارچوبی است که در آن شهرنشینی و رشد شهری هم به عنوان علت و هم به عنوان معلول نگریسته شود. اندرکنش نیروها و عوامل محرک گوناگون درونی و بیرونی و تحولات ناشی از آنها، موتور محرک شهرنشینی در ایران بوده است؛ اما فرایند شهرنشینی و رشد شهری در ایران با توجه به شدت و ضعف عوامل محرک و تحولات جامعه، در هر دوره زمانی خود را در قالب الگوهای خاصی بازنمایی کرده است. این الگوها در آغاز نتیجه فرایند تمرکزگرایی به عنوان مرحله آغازین رشد شهری در یک کشور در حال توسعه بوده‌اند. با تغییر عوامل

به طور کلی در دوره ۵۵ ساله ۱۳۳۵-۹۰ شاهد شکل‌گیری وضعیت مرکز-پیرامون در نظام شهری ایران بوده‌ایم؛ که در آن منطقه کلان شهری تهران و شهرهای پیرامون آن خوشه‌ای از شهرهای با Z -score مثبت را شکل داده‌اند، در حالیکه سایر شهرهای کشور همواره و به تنایب دارای Z -score منفی بوده و به عبارت ساده‌تر با نزول در سلسله مراتب شهری ایران مواجه بوده‌اند.

اگرچه تعداد شهرها در ایران از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۱۳۹ شهر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است، اما رشد عمده جمعیت شهری در شهرهای بزرگ و میانی کشور رخ داده است. در واقع شهرهای بزرگ و میانی به سبب رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های روستایی در طول ۵۵ سال گذشته همواره دست به افزایش جمعیت خود زده‌اند. تغییرات فضایی- زمانی رشد شهری در ایران نشان می‌دهد که شهرهای بزرگ جریان مواد، سرمایه و نیروی کار را به سمت خود جلب کرده و نقش اصلی را در منطقه خود ایفا می‌کنند. به عنوان نتیجه چنین جریاناتی، خوشه‌های شهری یا مناطق کلان‌شهری با غلبه یک کلان شهر شکل گرفته و یا به تدریج در حال شکل گرفتن هستند. در این مطالعه، برای تایید شکل‌گیری خوشه‌های شهری از تصاویر ماهواره ای DMPS استفاده شده است (شکل ۶). نواحی تاریک بر روی نقشه هسته‌های شهری بزرگ را نشان می‌دهند و در نواحی دورتر از این هسته‌ها رنگ روشن‌تر می‌شود، زیرا شدت روشنایی نور شب با افزایش فاصله از هسته شهری کاهش می‌یابد. نتایج حاصل از تصاویر

تاثیرگذار بر شهرنشینی و رشد شهری فرایند تمرکز-گرایی دچار ضعف شده و به مرور مرحله دوم رشد شهری یعنی تمرکززدایی آغاز شده است. شهرنشینی و رشد شهری در ایران از سال ۱۳۰۰ گام در مسیر تمرکزگرایی می‌گذارد. این فرایند تمرکزگرایی خود را در غالب الگوی نخست شهری نشان می‌دهد. در این الگو، شهر تهران تا اواسط دهه ۱۳۵۰ بیش از یک چهارم جمعیت شهری ایران را به خود اختصاص می‌دهد. با اوج گرفتن مشکلات ناشی از الگوی نخست شهری، سیاست‌های لازم برای مقابله با رشد شتابان و فزاینده میزان نخست شهری در ایران اتخاذ شد. بنابراین، از اواخر دهه ۱۳۵۰ به بعد، شهرنشینی و رشد شهری ایران گام در مسیر تمرکززدایی گذاشت. اما، همان‌گونه که در مبانی نظری تحقیق بیان شد، فرایند تمرکززدایی در کشورهای در حال توسعه، خود را به صورت پراکنش متمرکز نشان می‌دهد. در این حالت، فرایند تمرکززدایی در فاصله زیادی از کلان-شهر اصلی کشور و یا منطقه رخ نمی‌دهد؛ بلکه جریان مهاجرت‌ها به شهرهای میانی و کوچک در فاصله اندکی از کلان‌شهر اصلی منتقل می‌شود. شکل‌گیری منطقه کلان‌شهری تهران، نتیجه تمرکززدایی از کلان-شهر اصلی ایران بود.

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که رشد شهری به صورت متوالی به شهرهای کوچک‌تر منتقل شده است. در واقع، پس از یک دوره رشد سریع شهرهای بزرگ، در دوره‌های بعدی شهرهای میانی و کوچک‌تر دارای نرخ رشد بیشتری بوده‌اند. تغییرات فضایی-زمانی رشد شهری در ایران نکات جالب توجهی را نمایان

می‌سازد. تا دهه ۱۳۶۰ خوشه شهری معنادار و پایداری در ایران مشاهده نمی‌شود. به عبارت ساده‌تر، الگوی منطقه‌ای در رشد شهری قابل تمایز نیست. یعنی اینکه، نظام شهری دارای الگوی نخست شهری است، که در آن یک یا چند شهر برتر همه جریان‌ها را به سوی خود زهکشی می‌کنند. از دهه ۱۳۶۰ به بعد در اثر اجرای سیاست‌های تمرکززدایی، برای نخستین بار شاهد شکل‌گیری خوشه‌های معنادار رشد شهری در ایران هستیم. این خوشه در پیرامون کلان‌شهر تهران مشاهده می‌شود. در واقع، از دهه ۱۳۶۰ تحت تاثیر سیاست‌های تمرکززدایی، فرایند عدم تمرکز در شکل خاص پراکنش متمرکز باعث رشد سریع شهرهای اطراف تهران شده و منطقه کلان‌شهری تهران را شکل می‌دهند. این خوشه شهری معنادار در طول زمان پایدار بوده و به مرور بر شعاع آن افزوده می‌شود. بدین ترتیب، الگوی فضایی مرکز-پیرامون بر نظام شهری ایران حاکم می‌شود.

منابع

احمدیان، رضا. (۱۳۸۳). تاثیر دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی ایران در شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی شهری ایران (از عصر مشروطیت تا برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران). اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۴۰-۱۶۳.

ایراندوست، کیومرث، دهقان منشادی، مهدی، احمدی، میترا. (۱۳۸۴). شهر در جهان در حال توسعه. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. تهران.

تقوایی، مسعود، صابری، حمید. (۱۳۸۹). تحلیلی بر سیستم‌های شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا

- Geyer, H & Kontuly, T.(2008). Historical Perspectives on Differential Urbanization . G. Pomeroy & G. Webster, In Global Perspectives on Urbanization(pp.1-24) . Lanham, Maryland: University Press of America.
- Guoqing, D.(2007). Development Mechanism of Urban System in Rapidly Changing Period in China .Chinese Geographical Science, 10-18.
- Henderson, V.(2002). Urbanization in Developing Countries .The World Bank Research Observer, 17, 89-112.
- Kasarda, J. D & Crenshaw, E. M.(1991) . Third World Urbanization: Dimensions, Theories, and Determinants .Annual Review of Sociology, 467- 501.
- Meijers, E.(2007). Synergy in Polycentric Urban Regions .Amsterdam: IOS Press BV.
- Nations, U.(2010). World urbanization prospects: the 2009 revision .
- Pacione, M.(2011). Introduction: urban growth patterns – trends and policy issues .H. Geyer, In International Handbook of Urban Policy: Issues in the Developing World. (Vol. 3, pp. 3-36) Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Spence, M., Annez, P. C & Buckley, R.(2009). Urbanization and Growth . Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development /The World Bank.
۱۳۸۵. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه-ای، ۵۵-۷۶.
- حاتمی نژاد، حسین، پوراحمد، احمد، منصوریان، حسین، رجایی، عباس. (۱۳۹۲). تحلیل مکانی شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر تهران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۲۹-۵۶.
- حسامیان، فرخ. (۱۳۸۷). شهرنشینی، مرحله گذار. فرخ، حسامیان، گیتی، اعتماد، محمدرضا، حائری، در شهرنشینی در ایران (ص. ۱۷-۶۸). تهران. آگاه.
- رهنمایی، محمدتقی، شاه حسینی، پروانه. (۱۳۸۶). فرایند شکل‌گیری و رشد شهرهای ایران. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۲۰-۲۳۱.
- زبردست، اسفندیار، اسدی، ایرج. (۱۳۸۸). تبیین فرایند شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلان شهری. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۱۰۵-۱۲۱.
- Cuberes, D.(2011). Sequential city growth: Empirical evidence Journal of Urban Economics. 229-239.
- Getis, A & Ord, J. (1992). The analysis of spatial association by use of distance statistics .Geographical Analysis, 24, 189-206.
- Geyer, H.(2002). The Fundamentals of Urban Space .H. Geyer , In International Handbook of Urban Systems: Studies of Urbanization and Migration in Advanced and Developing Countries(pp, 3-17) . Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.

Ye, X & Xie, Y.(2011).Re-examination of Zipfs law and urban dynamic in China: a regional approach .Annal Regional Science , Published online.

van der Laan, L.(1998).Changing Urban Systems: An Empirical Analysis at Two Spatial Levels .Regional Studies. 235- 247.